

نسبت نهضت آزادی ایران با تکثرگرایی و مداراجویی سیاسی؛ از پیروزی انقلاب تا تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (بهمن ۱۳۵۷ - آذر ۱۳۵۸)

مظفر شاهی*^۱

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۴ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱)

چکیده

اگرچه در روند گسترش و پیروزی انقلاب ایران، در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷، جریان اسلام‌گرا نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد، اما انقلاب ایران از حضور و مشارکت مؤثر احزاب و گروه‌ها سیاسی چپ، ملی‌گرای لیبرال و برخی گروه‌ها دارای گرایش‌های توافقی اسلام‌گرا، چپ و ملی‌گرا نیز برخوردار شد. نهضت آزادی ایران، که ارتباط نزدیکی هم با جریان اسلام‌گرا داشت، نقش مهمی در تحولات دوره انقلاب ایفا کرد.

با توجه به اینکه، امام خمینی، رهبر انقلاب، تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی را در چارچوب نظام جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته بود؛ در مقاله پیش‌رو تلاش می‌شود، به این پرسش پاسخ داده شود که نهضت آزادی ایران، از آستانه پیروزی انقلاب تا تصویب و تأیید نهایی قانون اساسی در آذر ۱۳۵۸، که چارچوب حقوقی - قانونی نظام جمهوری اسلامی را بنیان نهاد، چه رویکردی به تکثرگرایی، تحزب و مداراجویی سیاسی، در میان احزاب و گروه‌ها سیاسی سهامدار انقلاب، داشت؟

۱. دکترای تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، پژوهشگر ارشد پژوهشکده تاریخ معاصر، ایران، تهران.

*mozaffarshahedi@gmail.com
<https://orcid.org/0000-0002-1246-0325>

پژوهش حاضر به روش بررسی تاریخی (توصیفی - تحلیلی) و با بهره‌گیری از تکنیک ردیابی فرایند انجام می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد نهضت آزادی ایران، که گرایش سیاسی و مبانی فکری آن ترکیبی از اسلام و ملی‌گرایی لیبرال بود، به‌رغم انتقاداتی که به گرایش‌ها و عملکرد جریان‌های مختلف سیاسی داشت، خواستار تعامل و مداراجویی سیاسی در میان احزاب و گروه‌ها سهامدار انقلاب بود. نهضت آزادی ایران، از تکثرگرایی، تحزب و سیاست‌ورزی مسالمت‌آمیز حزبی، در چارچوب نظام جمهوری اسلامی، حمایت می‌کرد.

واژه‌های کلیدی: نهضت آزادی ایران، جمهوری اسلامی ایران، تکثرگرایی، دموکراسی، تحزب.

بیان مسئله

فاصله نه‌ماهه پیروزی انقلاب، از بهمن ۱۳۵۷ تا تصویب و تأیید نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی در آذر ۱۳۵۸، از آن جهت، اهمیت بیشتری دارد که طی آن، با فراندوم روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸، عنوان نظام پسانقلابی ایران، رسماً، «جمهوری اسلامی» تعیین شد؛ و با تصویب قانون اساسی جدید در مجلس خبرگان و تأیید آن در همه‌پرسی روز ۱۱ آذر ۱۳۵۸، بنیان‌های حقوقی - قانونی نظام جمهوری اسلامی تثبیت شده، رسمیت یافت.

اگرچه در روند گسترش و پیروزی انقلاب ایران، در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷، جریان اسلام‌گرایی تحت هدایت امام خمینی، نقشی تعیین‌کننده ایفا کرد، اما تکوین و پیروزی انقلاب ایران حاصل حضور و مشارکت، ولو کم‌تر تأثیرگذار، ملی‌گرایان لیبرال، جریان چپ و گروه‌ها دارای گرایش توأمان اسلام‌گرا، ملی‌گرای لیبرال و چپ هم بود. امام خمینی، در دوره انقلاب، تصریح کرده بود که در نظام جمهوری اسلامی، تکثرگرایی، تحزب و سیاست‌ورزی مسالمت‌آمیز حزبی گروه‌ها سیاسی رقیب، به‌شرط

نسبت نهضت آزادی ایران با تکثرگرایی و مداراجویی ... _____ مظفر شاهی

رعایت موازین اسلامی و مصالح ملی، به رسمیت شناخته خواهد شد. به رغم تعارضات سیاسی و ایدئولوژیکی احزاب و گروه‌ها سیاسی متعدد سهامدار انقلاب، که با ناهمسازی و منازعه‌جویی برخی گروه‌ها و احزاب رادیکال هم توأم بود؛ در فرایندی که به تصویب و تأیید نهایی قانون اساسی منتهی شد؛ تکثرگرایی، تحزب و سیاست‌ورزی حزبی، بر مبنای همان رأی امام خمینی، در چارچوب قانونی - حقوقی نظام جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شد.

با عنایت به این امر که نهضت آزادی ایران، در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ نقش مؤثری در گسترش و پیروزی انقلاب ایفا کرده بود، گرایش‌های اسلام‌گرایانه آن با رویکرد دموکراتیک و ملی‌گرایانه به حکومت و سیاست‌ورزی توأم بود؛ و در فاصله نه ماهه پیروزی انقلاب در بهمن ۱۳۵۷ تا تأیید نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در آذر ۱۳۵۸، حضور و مشارکت فعال و تأثیرگذاری در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران پساانقلابی ایفا کرد؛ مسئله پژوهش حاضر، بررسی تاریخی و تبیین دغدغه‌ها و رهیافت‌های فکری - سیاسی نهضت آزادی ایران، در موضوع تکثرگرایی، مداراجویی، تحزب و سیاست‌ورزی حزبی جامعه پساانقلابی ایران، در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران، است.

پرسش: با توجه به اینکه، به رغم نقش تعیین‌کننده جریان اسلام‌گرا در پیروزی انقلاب، جریان‌های سیاسی دیگری هم در انقلاب ایران مشارکت داشتند، نهضت آزادی ایران، در فاصله پیروزی انقلاب در بهمن ۱۳۵۷ تا تأیید نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در آذر ۱۳۵۷، چه نگرشی نسبت به تکثرگرایی، مداراجویی سیاسی، تحزب و سیاست‌ورزی حزبی، در ایران پساانقلابی، داشت؟

مدعا: نهضت آزادی ایران، ضمن مخالفتِ توأمان با انحصارگرایی و رادیکالیسم سیاسی، از تکثرگرایی، مداراجویی، تحزب و سیاست‌ورزی حزبی، در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران، حمایت می‌کرد.

عبارت‌های مفهومی

حزب: عبارت است از هر گروه سیاسی دارای یک عنوان رسمی است که در انتخابات شرکت می‌کند و این امکان یا توانایی را دارد که از طریق انتخابات (آزاد یا غیرآن) نامزدهای موردنظر خود را در رأس پست‌ها و مناصب عمومی جامعه قرار دهد (نوذری، ۱۳۸۱، صص. ۵۱-۵۳). مهم‌ترین معیار طبقه‌بندی احزاب سیاسی در جوامع مختلف براساس تعدد آنهاست. بر این اساس نظام‌های سیاسی به تک‌حزبی؛ نظام‌های دارای حزب غالب یا مسلط؛ نظام‌های دو حزبی؛ نظام‌های چندحزبی؛ و نظام‌های به‌علاوه دو حزبی تقسیم می‌شوند که در این وضعیت اخیر عمده رقابت‌های سیاسی میان دو حزب بزرگ صورت می‌گیرد و یکی دو حزب کوچک دیگر هم به‌اندازه‌ای قدرت دارند که گاه در سرنوشت سیاسی جامعه مؤثر واقع شوند. نظام تک‌حزبی معمولاً در حکومت‌های توتالیتر و اقتدارگرای چپ یا راست دیده می‌شود و بر تمام شئون جامعه تسلط دارد. در وضعیت دارای حزب غالب، دو یا چند حزب حضور دارند، اما یک حزب از قدرت و نفوذ مسلطی برخوردار است و در مبارزات انتخاباتی به‌سهولت بر دیگر رقبای خود غلبه پیدا می‌کند. در نظام‌های دو حزبی معمولاً هر دو حزب از توانایی و بخت پیروزی همسانی در رقابت‌های انتخاباتی برخوردار هستند. در نظام‌های چندحزبی، که گاه طیف وسیعی از احزاب چپ تا راست را دربرمی‌گیرد، چندین حزب فعالیت و حضور مؤثر دارند و به‌نسبت آزایی که به‌دست می‌آورند،

نسبت نهضت آزادی ایران با تکثرگرایی و مداراجویی ... _____ مظفر شاهدهی

کرسی‌های نمایندگی مجلس را کسب می‌کنند و احیاناً برای تشکیل دولت با برخی احزاب هم‌گرا تر ائتلاف می‌کنند (نوذری، ۱۳۸۱، ص. ۹۴).

پلورالیسم؛ تکثرگرایی: پلورالیسم^۱ که در زبان فارسی در معنای کثرت‌گرایی یا تکثرگرایی به کار می‌رود در عالم سیاست به معنای اعتقاد به کثرت و استقلال گروه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. پلورالیسم بر ارزش اخلاقی و لزوم تکثر در هر سیستم اجتماعی تأکید داشته و حقوق گروه‌ها و نهادهای مختلف اجتماعی و سیاسی را بر دولت مقدم می‌دارد و از استقلال آن‌ها در برابر دولت دفاع می‌کند؛ و نیز مخالف قدرت انحصاری دولت است (آشوری، ۱۳۴۷، ص. ۵۹؛ آقابخشی، ۱۳۶۶، ص. ۱۹۸).
دوورژه نظام‌های سیاسی کثرت‌گرا را معادل حکومت‌های دموکراتیک می‌داند و آن‌ها را در برابر حکومت‌های وحدت‌گرا یا استبدادی قرار می‌دهد. او حکومت‌های کثرت‌گرا را به نظام‌های ریاستی دوحزبی یا چندحزبی و نظام‌های پارلمانی دو یا چندحزبی تقسیم‌بندی می‌کند (دوورژه، ۱۳۶۹، ص. ۱۵۴). بشیریه پلورالیسم را نوعی نقد مفهوم سنتی دموکراسی هم می‌داند که بر مبنای آن صرف مشارکت اکثریت توده مردم در زندگی سیاسی ملاک عمل قرار می‌گرفت؛ در رهیافت پلورالیستی حضور فعال و مؤثر احزاب در حیات سیاسی جامعه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دانسته شده است (بشیریه، ۱۳۷۴، ص. ۶۵).

دموکراسی: برابری فرصت‌ها برای افراد هر جامعه به منظور برخورداری از آزادی‌ها و ارزش‌های اجتماعی از عام‌ترین تعاریف دموکراسی است. دموکراسی در معنای محدود هم، شرکت آزادانه افراد در اخذ تصمیم‌های مهم سیاسی است (آشوری، ۱۳۴۷، ص. ۸۷). دموکراسی در دو مفهوم سیاسی و اقتصادی به کار رفته و دموکراسی سیاسی چنین توصیف شده است: «آزادی برای اظهار هر نوع عقیده سیاسی و اجتماعی و

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

برخورداری از حق اعمال هر نوع وسیله مشروع برای اشاعه و پیشرفت آن است» (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۵، ص. ۱۰۰). در نظام‌های دموکراتیک، کثرت و گوناگونی، اختلاف نظر و تفاوت منافع میان شهروندان و گروه‌های سیاسی مختلف به رسمیت شناخته شده و مسائل فی‌مابین براساس اصل متقاعدسازی و مصالحه حل و فصل می‌شود. از نشانه‌های بارز دموکراسی حضور و فعالیت مؤثر احزاب سیاسی است (بیتهم و بویل، ۱۳۷۶، ص. ۱۷، ۲۰-۲۱).

قانون اساسی جمهوری اسلامی: قانون اساسی نخست جمهوری اسلامی طی یک مقدمه، ۱۲ فصل و مجموعاً ۱۷۵ اصل تدوین و در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ از تصویب نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی گذشت. در ۱۱ آذر ۱۳۵۸ قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان به‌رفراندم عمومی گذاشته شد و مورد تأیید اکثریت مردم کشور قرار گرفت. قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۸ مورد بازبینی و تجدیدنظر قرار گرفت و طی ۱۴ فصل و در مجموع ۱۷۷ اصل در ۶ مرداد همان‌سال به تصویب رسید.

نظام جمهوری اسلامی: انقلاب ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. همه‌پرسی تعیین نوع نظام که تعرفه‌های تنظیم‌شده آن، رأی‌دهندگان را به انتخاب دو گزینه «جمهوری اسلامی، آری» با رنگ سبز و «جمهوری اسلامی، نه» با رنگ قرمز مخیر می‌کرد، در روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ برگزار شد. بیش از ۹۷ درصد رأی‌دهندگان به‌گزینه «جمهوری اسلامی، آری» رأی مثبت دادند و از روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ در ایران «نظام جمهوری اسلامی» برقرار شد.

پیشینه، هدف، ضرورت، نقطه کانونی پژوهش

تاکنون در این باره پژوهش مستقل منسجمی صورت نگرفته است. به‌ویژه بیان مسئله، طرح پرسش و مدعایی که هدف تبیین شکاف معرفتی در موضوع پژوهش را دنبال می‌کند، با رویکرد تحقیقی جدیدی طرح شده است. هدف پژوهش پاسخ به پرسش

نسبت نهضت آزادی ایران با تکثرگرایی و مداراجویی ... _____ مظفر شاهی

مقاله در چارچوب مدعای مطروحه است. مقاله حاضر در تبیین و تحلیل بخشی از مسائل مبتلابه جامعه ایرانی در دوره انقلاب و پس از آن ضرورت و فایده‌ای راهبردی دنبال می‌کند. نقطه کانونی مکان پژوهش، ایران و نقطه کانونی زمان پژوهش، فاصله بهمن ۱۳۵۷ تا آذر ۱۳۵۸ است.

روش و نوع پژوهش

در روند گردآوری اطلاعات از روش موسوم به کتابخانه‌ای پیروی شده است. در داوری از روش بررسی تاریخی تبعیت شده است که مبتنی بر ارائه گزاره‌های زمان‌مند، مکان‌مند و منحصربه‌فرد است. نوع پژوهش توصیفی - تبیینی است و از تکنیک یا الگوی ردیابی فرایند^۲ بهره گرفته شده است.

نهضت آزادی ایران: تبارشناسی تاریخی

نهضت آزادی ایران در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ اعلام موجودیت کرد و، در واقع، از جبهه ملی دوم انشعاب یافت. هیئت مؤسس و اکثری از اعضای برجسته و شناخته‌شده‌تر نهضت آزادی ایران در دو دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰، سابقه فعالیت سیاسی داشته و از حامیان یا اعضای جبهه ملی اول، نهضت مقاومت ملی و جبهه ملی دوم بودند. مبانی فکری و رویکرد سیاسی نهضت آزادی ایران ترکیب و تلفیقی از اسلام‌گرایی و دموکراسی لیبرال بود. نهضت آزادی ایران، از همان آغاز، خود را «مسلمان، ایرانی، تابع قانون اساسی و مصدق» خواند و تصریح کرد که: «ورود به سیاست و فعالیت اجتماعی من باب وظیفه ملی و فریضه دینی بوده» و «دین را از سیاست جدا نمی‌داند و خدمت به خلق را عبادت» می‌شمارد (اسناد نهضت آزادی ایران، ج. ۱ / ص. ۱۷). سید محمود طالقانی، مهدی بازرگان، یدالله سحابی، منصور عطایی، حسن نزیه، رحیم عطایی و عباس سمیعی

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

اعضای هیئت مؤسس نهضت آزادی ایران بودند (اسناد نهضت آزادی ایران، ج. ۱/ص. ۴۲). دبیر کلی نهضت آزادی ایران بر عهده مهدی بازرگان قرار گرفت و او، تا پایان عمر، در این سمت باقی بود.^۳

نهضت آزادی ایران، در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور حضور فعالی داشت. از اواسط پاییز ۱۳۴۱، همگام با روحانیون و اسلام‌گرایان، با کلیت اصلاحات موسوم به انقلاب سفید، به‌خصوص تغییر قانون انتخابات، مخالفت کرد؛ و در ۳ بهمن ۱۳۴۱ هم با صدور بیانیه‌ای مبسوط، به‌صراحت، برگزاری رفراندوم^۴ را مورد انتقاد قرار داد (اسناد نهضت آزادی ایران، ج. ۱/صص. ۱۷۱-۱۷۹، ۱۹۶-۲۲۱). به‌دنبال صدور این بیانیه، سیدمحمود طالقانی، مهدی بازرگان و یدالله سبحانی دستگیر شدند و فشارهای سیاسی - امنیتی بر نهضت آزادی شدت گرفت. رهبران نهضت آزادی در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۳ محاکمه و به تحمل زندان و تبعید محکوم شدند. از آن پس، فعالیت نهضت آزادی ایران در داخل کشور به‌شدت کاهش یافت و برخی از اعضای جوان‌تر نهضت آزادی ایران، عمدتاً در چارچوب انجمن‌های اسلامی دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا، ناشر افکار و اندیشه‌های سیاسی نهضت آزادی ایران بودند. در دوره ناآرامی‌های سیاسی منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷، نهضت آزادی ایران، در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور، حضوری مؤثر داشت. امام خمینی رهبر انقلاب، در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷، مهدی بازرگان دبیر کل نهضت آزادی ایران را به‌منزله نخست‌وزیر دولت موقت انقلاب تعیین کرد. اکثر وزرای دولت بازرگان را اعضای نهضت آزادی ایران و جبهه ملی تشکیل می‌دادند. بازرگان یک روز پس از اشغال سفارت آمریکا در تهران، در ۱۴ آبان ۱۳۵۸، از مقام نخست‌وزیری کناره‌گیری کرد. در مجلس شورای اسلامی دوره اول،^۵ اکثری از اعضای

نسبت نهضت آزادی ایران با تکثرگرایی و مداراجویی ... _____ مظفر شاهدی

فراکسیون «هم‌نام» عضو یا هوادار نهضت آزادی ایران بودند (فوزی و زارعی، ۱۳۹۶، صص. ۴۵-۷۶). به‌رغم این احوال، از اوایل دهه ۱۳۶۰ بدان‌سو، نهضت آزادی که هر از گاه و در موارد مختلف انتقادات صریح و گزنده‌ای را متوجه نظام جمهوری اسلامی می‌کرد، از عرصه حیات رسمی سیاسی کنار گذاشته شد. در ۳۰ بهمن ۱۳۶۶ هم، امام خمینی در پاسخ به نامه علی‌اکبر محتشمی‌پور وزیر وقت کشور، از نهضت آزادی ایران سلب صلاحیت سیاسی کرد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج. ۲۰/صص. ۴۷۹-۴۸۱). نهضت آزادی ایران،^۶ اگرچه به‌طور غیرقانونی، اما همچنان در نقش اپوزیسیون اصلاح‌طلب و مسالمت‌جوی نظام جمهوری اسلامی به‌حیات خود ادامه می‌دهد.^۷

۷. آسیب‌شناسی جریان‌های سیاسی سهامدار انقلاب

نهضت آزاد ایران، که تا اواسط سال ۱۳۵۷ هنوز در پی احیای قانون اساسی مشروطه بود و در چهار پنج‌ماهه پایانی عمر رژیم پهلوی ارتباط بسیار نزدیک و هماهنگی با جریان اسلام‌گرایی تحت رهبری امام خمینی داشت؛ به‌رغم اهمیتی که برای نقش اجتماعی اسلام قائل بود و در همان حال، نسبت به جریان چپ سوءظنی، کمابیش، شدید داشت، اما در آستانه پیروزی انقلاب، از شکل‌گیری یک نظام دموکراتیک تکثرگرا حمایت می‌کرد و دموکراسی، تحزب و سیاست‌ورزی حزبی متهمی به حکم‌رانی حزبی را از مهم‌ترین اهداف انقلاب ارزیابی می‌کرد. مهندس مهدی بازرگان، چند سال بعد، در جای‌جای خاطرات خود به این مهم اشاره کرده و کم‌اعتنایی و بلکه بی‌اعتنایی به دموکراسی، تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی را از جمله اولویت‌های مغفول‌مانده انقلاب مردم ایران برمی‌شمارد؛ که گویی انقلابی دیگر علیه انقلاب مردم ایران صورت گرفته است (بازرگان، ۱۳۶۳، صص. ۷۰-۸۴). بازرگان با اشاره به وعده‌های دموکراتیک رهبری انقلاب و اینکه در دو پیش‌نویس نخست قانون اساسی جدید هیچ

بحثی درباره اصل ولایت فقیه در میان نبود، از دیرپا بودن سنت دموکراسی و تکثرگرایی حزبی در مبانی فکری و سیاسی اکثری از احزاب و تشکل‌های سیاسی سهامدار انقلاب سخن به میان می‌آورد که امید داشتند نظام سیاسی پساانقلابی ایران فضای سیاسی و اجتماعی به مراتب مستعدتری برای تحزب و سیاست‌ورزی حزبی ایجاد کند:

جبهه ملی و احزاب ملی مرام‌نامه و اصول سیاسی و حکومتی داشتند و بیشتر بر مبانی آزادی‌خواهی دموکراسی و ناسیونالیسم و سوسیالیسم و استقلال‌طلبی بود و همچنین نیمه تشکیلات حزبی کم‌ویش آزموده ولی مصدر اداره انقلاب نبودند. نهضت آزادی از سال‌های ۱۳۴۲ به تدوین ایدئولوژی سیاسی و جهان‌بینی بر مبنای اسلام پرداخته ... مطالعات و انتشاراتی انجام داده بود ... خبرنگاران و مراجعین خارجی در تهران و در پاریس مکرر راجع به نظام حکومتی بعد از انقلاب و جمهوری اسلامی سؤال می‌کردند و آنچه جواب داده می‌شد بیشتر از جنبه منفی و رد اتهامات و تصوراتشان بود یا مقایسه و ادعای برتری نسبت به دموکراسی‌های غربی ... [ولی] حرکت دوم انقلاب [پس از پیروزی] راه‌های مختلف و احیاناً متضاد در پیش گرفت (بازرگان، ۱۳۶۳، صص. ۸۵-۸۷).

نهضت آزادی ایران در خرداد ۱۳۵۸ در بیانیه مبسوطی با عنوان «تحلیلی از شرایط امروزی انقلاب اسلامی و نقد نیروهای درون انقلاب»، دیدگاه‌های آسیب‌شناسانه خود را پیرامون محدودیت‌ها و ضرورت‌های تحزب، تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی در جامعه پساانقلابی ایران منتشر کرد. در مبحث پیش‌رو، رویکرد سیاسی نهضت آزادی ایران به موضوع تحزب و سیاست‌ورزی حزبی، با استناد به همان بیانیه مورد سنجش و داوری تاریخی قرار گرفته است.^۸

نسبت نهضت آزادی ایران با تکثرگرایی و مداراجویی ... _____ مظفر شاهدی

نهضت آزادی ایران، اگرچه خواستار آزادی فعالیت سیاسی جریان‌های سیاسی مختلف رقیب و از جمله مارکسیست‌ها در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور بود، اما به‌ویژه نسبت به حزب توده و دیگر گروه‌های مارکسیست سوءظنی دیرپا و شدید داشت و در اینکه به‌طور کلی جریان چپ هیچ اعتقادی به انقلاب اسلامی ایران ندارد، تردید کمی داشت. نهضت آزادی جریان چپ را در مجموع در ردیف ضدانقلاب ارزیابی می‌کرد که رویکرد سیاسی و مبانی فکری آنان کم‌ترین همگرایی و همخوانی‌ای با اهداف انقلاب ایران ندارد و در آن میان، حزب توده و برخی دیگر از تشکلهای چپ علی‌الظاهر مؤید انقلاب، فقط هدف نفوذ مصلحت‌اندیشانه و تاکتیکی در میان نیروهای مؤثرتر انقلاب را دنبال می‌کنند، تا در فرصت مقتضی مسیر تحولات انقلابی را در راستای مقاصد نامیمون خود منحرف سازند. تحلیل و ارزیابی نهضت آزادی ایران دربارهٔ جریان چپ چنین بود:

نیروی دیگری که امروز در جامعه ما خودنمایی می‌کند و شاید بتوان گفت که برخورد با این نیرو از مهم‌ترین مسائل روز برای ماست، نیروهای به‌قول خودشان چپ و به‌قول ما جناح مارکسیستی است. وقتی می‌گوییم جناح، منظور آنست که آن‌ها یک گروه مشخص نیستند، بلکه طیفی را از راست تا چپ و حتی افراطی می‌پوشانند. مارکسیست‌های طرفدار شوروی، طرفدار مائو، طرفدار حکومت جدید چین، چپ نو و حتی در جامعه کسانی با نام مارکسیست عمل می‌کنند که از همکاران و برنامه‌ریزان و تبلیغات‌چیان و مفسران رژیم گذشته و حزب رستاخیز بودند ... البته در این میان هستند افراد و گروه‌هایی که به‌مرام و مکتب خود مؤمن‌اند و در راه آن فداکاری‌ها کرده‌اند و نقشی هم در مبارزات و انقلاب ایران داشته‌اند ولی بسیاری نیز در عین حفظ عقاید خود رویه‌هایی فرصت‌طلبانه دارند. در چند ماه اخیر بخش مهمی از آشوب و هرج و مرج‌های استان‌ها و شهرهای

مرزی و تجزیه‌طلبی‌ها، تحریکات کارگری، تعطیل صنایع و ادارات به‌وسیلهٔ مارکسیست‌ها یا مارکسیست‌نمایان هدایت شده و می‌شود ... تمام این عملیات حول یک محور و به‌خاطر یک هدف هدایت می‌شود و آن عبارت است از جلوگیری از اقتدار دولت انقلاب اسلامی و به‌ضعف و پریشانی کشاندن آن از طریق گسترش هرج‌ومرج و نیز ممانعت از پیدایش هرگونه اقتدار در جامعه. این محور و هدفی است که ضدانقلاب ایران هم دنبال می‌کند. ریشهٔ تمام مواضع حاد و احتمالاً افراطی گروه‌های سیاسی - مذهبی نسبت به مارکسیست‌ها نیز از همین واقعیت سرچشمه می‌گیرد نه صرفاً به‌خاطر تضاد فلسفی و ایدئولوژیک دو مکتب. مارکسیسم در ایران سابقهٔ ۷۰ ساله دارد ... ولی متأسفانه همیشه به‌علت دلبستگی تام و تمام به یک ایدئولوژی خارجی و وارداتی ... دچار یک نوع جزم‌گرایی و خروج از واقع‌بینی می‌شوند و این انتزاعی‌اندیشیدن‌ها و این اشتباهات بزرگ سیاسی در محاسبهٔ تاریخی با خیانت یک نتیجه را دارد. البته گروه‌های مارکسیستی‌ای هم بوده‌اند و هستند که عامل اجرای سیاست‌های خارجی در ایران بوده و در جهت خیانت به‌خلق بوده است ... ما با آن دسته‌ها و سازمان‌های مبارزتان کار داریم که در چند سال گذشته به‌خصوص با رژیم مبارزه کردند. آن‌ها نیز تشنه و عاشق کسب قدرت هستند ... اگر آن‌ها به‌اندازهٔ نیرویی که دارند و به‌اندازهٔ سهمی که در جامعه دارند و به‌میزان تابعیت و پذیرش افکار عمومی که نسبت به آن‌ها وجود دارد این سهم را بشناسند ... ما آماده‌ایم که آن‌ها را در قدرت کشور، در تصمیم‌گیری کشور سهمی داشته باشند، ولی متأسفانه این‌طور نیست و هر جا کوچک‌ترین امتیازی برای آن‌ها برتری ایجاد کند فوراً منجر به خفه کردن سایر گروه‌ها و دسته‌ها می‌شود... اگر بخواهیم منصفانه و خالی از هرگونه تعصب گروهی و جناحی و ایدئولوژیکی کارنامهٔ جناح‌های مارکسیستی را در این چند ماه مطالعه کنیم، می‌بینیم که کارنامه‌ای خالی، اگر نگوئیم سیاه، دارند و این جناح‌های

نسبت نهضت آزادی ایران با تکثرگرایی و مداراجویی ... _____ مظفر شاهدی

مارکسیستی در هیچ‌گونه کار اجرایی، کاری که عملاً انقلاب را پیش برد شرکت نمی‌کنند و فقط تشنه قدرت و کسب قدرت سیاسی هستند ... [مارکسیست‌ها] همیشه نسبت به اسلام و مسلمین و گروه‌های اسلامی بیگانگی و خصومت خود را حفظ کرده و در پی فرصت برای سرکوبی بوده و هستند. ما معتقدیم که مارکسیست‌ها با هر نوع گرایش ایدئولوژیک - سیاسی که دارند می‌توانند و باید آزادانه به کار گروهی خود ادامه دهند به این شرط که آن‌ها بپذیرند که اکثریت قاطع مردم این سرزمین مسلمانند و هرگونه اقدام در جهت نابودی انقلاب اسلامی را تحمل نمی‌کنند (اسناد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳، ج. ۱۱/ صص. ۱۲۴ - ۱۳۰).

نهضت آزادی ایران تشکل‌هایی مانند جاما، جنبش مسلمانان مبارز و سازمان مجاهدین خلق را در ردیف نیروهای روشنفکر مذهبی صورت‌بندی می‌کرد که «هر یک به سهم خود در گذشته و یا حال نقش و اثری در پیش‌برد انقلاب اسلامی داشته و دارند». به همین دلیل، نهضت آزادی بر این باور بود که تشکل‌های سیاسی مذکور ضرورتاً باید در میان جریان‌های اصلی انقلاب به رسمیت شناخته شده «به دلیل قدمت و پیش‌قدمی‌ای که در مبارزه علیه طاغوت زمان داشتند و به دلیل تجارب سیاسی و سازمانی‌شان و همچنین به دلیل دلبستگی و وفاداری به اسلام... جا دارد که حق و سهم آن‌ها در انقلاب ملحوظ و منظور گردد» (همان، ج. ۱۱/ صص. ۱۳۲ - ۱۳۳).

نهضت آزادی ایران اگرچه با جریان ملی‌گرای لیبرال فاصله فکری و سیاسی خود را حفظ می‌کرد و بر این باور بود که این جریان دموکراسی خواه پارلمنتاریست متمایل به سکولاریسم، رابطه فکری نزدیکی با انقلاب اسلامی مردم ایران ندارد، اما می‌تواند و باید به منزله یک نیروی سیاسی پیشینه‌دار مؤثر، در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران پس‌انقلابی به رسمیت شناخته شود و فعالیت خود را ادامه دهد. تحلیل نهضت آزادی

ایران از جریان ملی‌گرای لیبرال که آنان را «نیروهای ملی لیبرال دموکرات» می‌خوانند، چنین است:

این نیروها از گروه‌های مختلفی مثل احزاب جبهه ملی، جنبش، جمعیت‌های جدیدالتأسیس، سازمان‌های صنفی روشنفکری و غیره تشکیل شده و از نظر مواضع اجتماعی و سیاسی طیفی از چپ تا معتدل و راست را می‌پوشانند... بسیاری از این گروه‌ها و شخصیت‌های قدیمی به‌لحاظ سوابق مواضع سیاسی و اجتماعی‌شان بعضاً مورد توجه مردم یا حداقل بخشی از مردم می‌باشند، ولی کم‌تر توانسته‌اند در رهبری توده نقش فعالی داشته باشند... از دیدگاه سیاسی این گروه‌ها عموماً لیبرال یا دموکرات و مدافع آزادی‌های اساسی و قانونی و حقوق بشرند و به‌لحاظ اعتقاد و وابستگی‌های عاطفی نیز ضداستبداد و استعمار هستند... مسئله اصلی و درد روشنفکران لیبرال و وابسته به طبقات مرفه یا نیمه‌مرفه دموکراسی پارلمانتاریستی است، درحالی‌که مردم مستضعف و سخنگویان ایشان ضداستبداد و بهره‌کشی هستند، ولی لزوماً خواهان نظام پارلمانتاریسم غربی نیستند... باین‌همه ما فکر می‌کنیم که نیروهای ملی و لیبرال دموکرات تضاد آشتی‌ناپذیر و خصمانه‌ای با انقلاب اسلامی ایران ندارند... و اگر رهبری مذهبی این عنصر از واقعیت ملت ایران را از خود و اسلام نرانند می‌توانند و باید در یک کل واحد به‌نام وحدت ملی شرکت کنند (همان، ج. ۱۱ / صص. ۱۳۴-۱۳۶).

نهضت آزادی ایران، ضمن آنکه نقش و جایگاه جریان مسلط اسلام‌گرای تحت رهبری امام خمینی را در پیروزی انقلاب تعیین‌کننده ارزیابی می‌کند، اما هشدار می‌دهد، مبدا روحانیت به‌پشتوانه کثرت عددی حامیان خود در میان جامعه ایرانی، کلیت نظام پساانقلابی و رهبری انقلاب و نظام را در خود منحصر کرده و مانع از شکل‌گیری

نسبت نهضت آزادی ایران با تکثرگرایی و مداراجویی ... _____ مظفر شاهدهی

تکثرگرایی و فعالیتِ دیگر احزاب و جریان‌های سیاسیِ رقیب در کشور شود. به‌باورِ نهضت آزادی ایران:

روحانیت مبارز و انقلابی نقش بسیار مؤثر و مثبتی در جریان انقلاب بازی کرده است و اکنون نیز نقش بسیار مؤثر و بسیار فعالی دارد و از طرفی از استقبال و اعتماد زیاد مردم برخوردار است و کارها و مسئولیت‌های جاری انقلاب بیشتر در اختیار ایشان است... و طبیعی است که هرکس یا هر دسته از اشخاص که بیشتر در مسائل و مشکلات مردم حضور داشته باشد و تماس نزدیک با مردم داشته باشد بیشتر مورد توجه و اعتماد و انتخاب مردم قرار می‌گیرد... [اما] معترضین می‌گویند روحانیت مبارز و انقلابی ما تأکید بسیار بر رهبری بلامنازع امام خمینی می‌کند و هر نظر انتقادی دیگر را... می‌کوبد. آن‌ها می‌گویند اعتقاد به رهبری امام خمینی امروز اختصاص به روحانیت یا گروه‌های وابسته به روحانیت ندارد. تمام گروه‌های سیاسی - مذهبی و گروه‌های ملی و حتی برخی از مارکسیست‌ها هم این اعتقاد را دارند. اگر کسی خواست از رهبری سؤال بکند یا انتقادی نماید بدان معنا نیست که نفی رهبری نموده [است]... نکته دیگری که مورد سؤال و انتقاد روشنفکران مذهبی و ملی است اینکه ما یک حرکت آرام را شاهدیم که طی آن مواضع قدرت جامعه، مواضع سیاسی، تبلیغاتی و حتی اجتماعی در دست روحانیت متمرکز می‌شود... ما این اعتراضات را از آن جهت مطرح می‌کنیم که بنا به اصل ثابت شده در طول تاریخ قدرت خود فی‌نفسه انحصارطلب و فزونگراست، به‌ویژه آنکه عوامل انحصار هم به‌سادگی در اختیارش قرار گیرد... از طرفی دیگر رهبری و هدایت جنبش هم با یک مرجع و زعیم دینی و روحانی است. این‌ها شرایط بسیار مهمی است برای اینکه روحانیت بتواند سایر گروه‌های فکری سیاسی، اعم از دینی یا غیردینی را پشت سر بگذارد و امروز عملاً دیگر نیروها به‌طور قابل ملاحظه‌ای در برابر نیروی روحانیت در ضعف شدید قرار بگیرند و بدین ترتیب شرط لازم

برای پیدایش انحصار در جامعه حاضر باشد و این است منشأ نارضایی معترضینی که چهارچوب جمهوری اسلامی را پذیرفته‌اند و در درون آن می‌خواهند نوعی کثرت‌گرایی سیاسی - اجتماعی حاکم باشد (همان، ج ۱۱/صص. ۱۲۰-۱۲۲).

در مسیر جمهوریت؛ از پیروزی انقلاب تا برگزاری همه‌پرسی نوع نظام

قرائن نشان می‌دهد، در موضوع و شیوه برگزاری فراندوم تعیین نوع نظام، میان نگرش نهضت آزادی ایران به‌منزله یک تشکل سیاسی با دولت موقت، که نخست‌وزیر و بسیاری دیگر از وزرا و معاونان آن عضو نهضت آزادی ایران بودند، تعارضاتی وجود داشت.^۹ از یک سو، دولت موقت که مهدی بازرگان در رأس آن قرار داشت، مؤظف بود در تبعیت از رأی امام خمینی موجبات برگزاری فراندوم «جمهوری اسلامی؛ آری یا نه» را فراهم آورد؛ از سوی دیگر، نهضت آزادی ایران عناوینی مانند «جمهوری دموکراتیک اسلامی»^{۱۰} یا «جمهوری دموکراتیک» برای نظام پساانقلابی ایران پیشنهاد می‌کرد.^{۱۱} با تمام این احوال، نهضت آزادی ایران بی‌آنکه درباره نوع حکومت مطلوب خود اصرار کند، از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی حمایت کرد. چنان‌که ابراهیم یزدی از اعضای برجسته نهضت آزادی، که در آستانه برگزاری فراندوم معاون نخست‌وزیر هم بود، در دفاع از حکومت جمهوری اسلامی و ضرورت رأی مثبت مردم به آن، چنین گفت:

جمهوری اسلامی یعنی جمهوری که خود مردم در آن هستند می‌توانند فکر کنند و انتخاب کنند. کسی آن‌ها را تهدید نمی‌کند. جمهوری اسلامی ما تمام هویت‌های دموکراتیک خلقی و غیره را دربردارد و غیر از این‌ها یک هویت فلسفی نیز دارد. این جمهوری اسلامی خواستار استقلال مملکت است نه وابسته به شرق است و نه وابسته به غرب. آن‌ها که امروز می‌گویند جمهوری اسلامی را قبول ندارند زیر

نسبت نهضت آزادی ایران با تکثرگرایی و مداراجویی ... _____ مظفر شاهی

رگبار گلوله کجا بودند که بگویند: ما جمهوری دموکراتیک خلقی یا غیرخلقی می‌خواهیم؟ همه در تظاهرات می‌گفتند: جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی می‌خواهد برای همیشه به‌استعمارها پایان دهد. جمهوری اسلامی می‌خواهد اجازه ندهد اقلیتی همیشه اکثریتی را بچاپند. اسلام مخالف این‌ها است (اطلاعات، ۸ فروردین ۱۳۵۸، ص. ۱).

تکثرگرایی، دموکراسی و مداراجویی؛ از «جمهوری اسلامی» تا همه‌پرسی «قانون اساسی»

مهدی بازرگان و شماری دیگر از اعضای دولت موقت عضو نهضت آزادی ایران بودند، اما دولت موقت لزوماً دیدگاه‌ها و علایق سیاسی و فکری نهضت آزادی ایران را منعکس نمی‌کرد.^{۱۲} اگرچه، همه این‌ها به معنای عدول محسوس بازرگان و سایر اعضای نهضت آزادی ایران در دولت، از کلیت مرام سیاسی آن تشکل سیاسی هم نبود. بگذریم از اینکه، همین حضور در دولت، تا حدی، نهضت آزادی ایران را در، به‌ویژه، مواجهه انتقادی با تحولات سیاسی و اجتماعی کشور محتاط می‌کرد.

نهضت آزادی ایران از فاصله فراندوم تعیین نوع نظام تا برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی، تا حدی، مستقل از مواضع دولت، از آزادی، دموکراسی و تکثرگرایی سیاسی حمایت می‌کرد و، به‌رغم برخی رویکردهای تاریخی منفی‌ای که نسبت به کلیت جریان چپ داشت حتی‌المقدور تلاش می‌کرد، احزاب و گروه‌های سیاسی دگراندیش سهامدار انقلاب، نقش و جایگاهی تأثیرگذار در عرصه سیاست رسمی کشور ایفا کنند. نهضت آزادی از همان آغاز، نگران بود مبادا، تمایلات انحصارجویانه و رادیکال به‌تحزب و سیاست‌ورزی حزبی و به‌تبع آن، فعالیت مسالمت‌آمیز احزاب و گروه‌های سیاسی رقیب آسیب برساند.^{۱۳} نهضت آزادی ایران در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸، که مقارن با سال‌روز

تأسیس آن در سال ۱۳۴۰ بود، ادامهٔ رسالتش را «آزاد کردن انسان از قیدوبندهای انواع استبداد و استثمار با جهان‌بینی توحیدی؛ ساختن انقلابی انسان با جهادی پیگیر به‌وسیلهٔ ایدئولوژی اسلامی؛ و نگهداری و استمرار انقلاب اسلامی ایران و شکوفاتر کردن آن» اعلام کرد (اسناد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳، ج. ۱۱ / ص. ۹۲). نهضت آزادی ایران، علاوه‌بر اینکه، دولت بازرگان را به‌هم‌هانگی بیشتر با مقتضیات دوران انقلاب فرامی‌خواند و رهبری امام خمینی بر انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی را تحسین‌برانگیز ارزیابی می‌کرد، اما منتقد شیوهٔ مواجههٔ ایشان با ماهیت نظامی نظام بود و نسبت به راه یافتن انحصارگرایی در رویکرد سیاسی ایشان هشدار می‌داد:

امام خمینی نگران غیراسلامی شدن یا گریز از اسلام در انقلاب ایران و تکرار حوادث و بلاهای صدر مشروطه هستند و این نگرانی بسیار به‌جا و واقعی است. ولی رفع این نگرانی مستلزم تأکید و فشار بر تکرار بی‌حد لفظ «اسلامی» نیست. این روش بیشتر به‌روش تلقینی و تحمیلی شبیه است نه روش اقلی. روشهای تلقینی هدف از بیرون و از بالا، فرد انسان را به‌سوی قالبی شدن و قشریت می‌برد، در حالی که روش اقلی فکر را توسعه می‌دهد و حقایق را به دل و قلب فرو می‌نشانند، همچنین مستلزم تأکید و فشار بر حاکمیت و فسادناپذیر بودن گروه یا افرادی خاص نیست. همهٔ ما اعم از روحانی و غیرروحانی افراد بشریم و همه در معرض خطا و هواهای نفسانی. تقوا، لباس و حرفهٔ خاص نمی‌شناسد. بگذارید همهٔ مسلمانان یا طرفداران انقلاب اسلامی در کارها با هم شرکت کنند و به‌تناسب تقوا و لیاقت خود به‌مسئولیت‌ها برسند و همه بدون تبعیض در معرض سؤال و انتقاد مردم و امر به‌معروف و نهی از منکر مؤمنین قرار گیرند تا معلوم شود چگونه تفرقه‌ها به‌سوی وحدت می‌گراید (اسناد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳، ج. ۱۱: ۱۱۹-۱۲۰).

نسبت نهضت آزادی ایران با تکثرگرایی و مداراجویی ... _____ مظفر شاهدی

نهضت آزادی ایران، در چارچوب نظام جمهوری اسلامی از تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی حمایت می‌کرد و خواستار پرهیز از رادیکالیسم و منازعه‌جویی و درپیش گرفتن سیاستِ مدارا، تعامل و همراهی متقابل حاکمیت و جریان اسلام‌گرا با دو جریان چپ و ملی‌گرای لیبرال بود. نهضت آزادی ایران، به‌خصوص نگران انحصارگرایی و تمامیت‌خواهی جریان اسلام‌گرای تحت رهبری امام خمینی و مواجههٔ ناهمسازگرایانه و احتمالاً حذفی آن با احزاب و گروه‌های سیاسیِ دگراندیشِ سهامدار انقلاب بود.^{۱۴} نهضت آزادی ایران هشدار می‌داد:

فضای سیاسی امروز ما به‌سوی خشونت، به‌سوی عدم تفاهم و وحدت نیروهای انقلابی و به‌سوی قطبی شدن نیروهای انقلابی پیش می‌رود. برخوردهای غیرمنطقی و عاطفی با گروه‌ها و گرایش‌های غیراسلامی با سرعت رو به‌افزایش است و خطر درگیری‌های خشونت‌آمیز و احتمالاً نظامی وجود دارد... اگر نیروهای درون انقلاب ما به‌سوی چنین درگیری‌هایی پیش بروند، نه فقط سرنوشت انقلاب را دچار شکست و اضمحلال می‌نمایند، بلکه از آن بدتر خود انقلابیون به‌عنصری خشن و کینه‌توز و افراطی و منحرف از اسلام تبدیل خواهند شد. در فضای سیاسی ما حس تحمل و گذشت در برابر عقیده مخالف یا متفاوت، در برابر گروه‌های غیراسلامی و حتی گروه‌های اسلامی خاص با سرعت جای خود را به‌کینه و نفرت و خصومت می‌دهد (همان، ج. ۱۱/ص. ۱۵۱).

نهضت آزادی ایران سازمان مجاهدین خلق را تشکلِ اسلام‌گرای اصیلی می‌دانست و از آن حمایت می‌کرد. نهضت آزادی ایران با ارج نهادن به تاریخ مبارزات چریکی سازمان مجاهدین خلق با رژیم پهلوی، خواستار حضور مؤثر آن در عرصهٔ سیاسی و اجتماعی پساانقلابی ایران بود.^{۱۵} نهضت آزادی ایران، در ۱۴ تیر ۱۳۵۸، که، به‌ویژه، با تحریک و پیشگامی برخی احزاب و گروه‌های سیاسی رادیکال و منازعه‌جو، بحران

سیاسی و امنیتی در حال گسترشی، در بخش‌های مختلف کشور، در حال شکل‌گیری بود؛ طی بیانیه‌ای، نسبت به خطرات و پیامدهای جبران‌ناپذیر گسترش سوء تفاهم و ناهمسازگری سیاسی، میان جریان‌های سیاسی سهامدار انقلاب، برای تقویت جامعه مدنی، تکثرگرایی و شکل‌گیری یک نظام دموکراتیک مداراجو در کشور، به شدت، ابراز نگرانی کرد. در این بیانیه، نهضت آزادی ایران، احزاب و گروه‌های تندرو و منازعه‌جو، در میان همه جریان‌های سیاسی سهامدار انقلاب را، کمابیش به یکسان، مسئول تکوین، شکل‌گیری و گسترش رادیکالیسم و نابردباری سیاسی در کشور معرفی کرد و با نکوهش آنان، خواستار برخورد قاطع و بدون اغماض دولت و حاکمیت با تمام گروه‌ها و احزاب بحران‌آفرین شد.^{۱۶}

نهضت آزادی ایران، بی‌آنکه نسبت به طرح تشکیل مجلس خبرگان به جای مجلس مؤسسان اعتراض کند، به تبعیت از رأی «رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی»، در انتخابات مجلس خبرگان، حضوری فعال پیدا کرد و برای اکثری از استان‌های کشور کاندیداهایی، نه‌لزوماً حزبی، معرفی کرد (اسناد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳، ج. ۱۱ / صص. ۱۷۲-۱۷۵). هنگامی که به دنبال توقیف روزنامه‌آیندگان، اعتراضات نه‌چندان مسالمت‌آمیز احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف، با مقابله کمابیش مشابه هواداران اسلام‌گرای نظام جمهوری اسلامی مواجه شد؛ نهضت آزادی ایران، با صدور بیانیه‌ای، بار دیگر، نسبت به خطرات و تبعات سوء این‌گونه تنش‌آفرینی‌های مخرب هشدار داد؛ و ضمن نکوهش گروه‌های رادیکال و معارضة‌جوی منتقد نظام جمهوری اسلامی، جریان‌های سیاسی سهامدار انقلاب، به‌ویژه، جریان اسلام‌گرا را به اجتناب از روش‌های غیرمسالمت‌جویانه و قهرآمیز و لزوم مدارا و رعایت حقوق و علایق سیاسی و فکری مشروع احزاب و گروه‌های سیاسی دگراندیش رقیب فراخواند

نسبت نهضت آزادی ایران با تکثرگرایی و مداراجویی ... _____ مظفر شاهی

(اسناد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳، ج. ۱۱/صص. ۱۸۳-۱۸۸). نهضت آزادی ایران اگرچه از تکثرگرایی و فعالیت سیاسی آزاد احزاب و گروه‌های سیاسی دگراندیش سهامدار انقلاب حمایت می‌کرد، اما هم‌زمان، خواستار برخورد قاطع دولت و حاکمیت با ضدانقلاب داخلی و خارجی و به تبع آن، احزاب و گروه‌های سیاسی رادیکال و معارضه‌جویی بود که طی چندماهه متعاقب برگزاری فرماندوم تعیین نوع نظام، در مناطق مختلف کشور، خشونت‌آفرینی می‌کردند و به شیوه قهرآمیز با کلیت نظام جمهوری اسلامی مبارزه می‌کردند. تا جایی که نهضت آزادی ایران در ۲۹ مرداد ۱۳۵۸، طی بیانیه‌ای ضمن آنکه دولت بازرگان را به مسامحه‌جویی و سست‌کرداری در مقابله بدون اغماض با ضدانقلاب و گروه‌های سیاسی معارضه‌جو متهم کرد، هشدار هم داد که هرگاه دولت قادر نیست در تبعیت از رأی امام خمینی رهبر انقلاب با برخورد قاطع با ضدانقلاب، امنیت درخور وضعیت انقلابی را در کشور ایجاد کند، «با موافقت امام کار خود را به هیئتی واگذارد که می‌تواند انقلابی باشد و... حاضر باشد با رهبری امام و خصوصاً با استدعای بازگشت ایشان به تهران و حضور در متن کار به این خواست‌های انقلابی مردمی، که خواست انقلاب اسلامی نیز هست، جامه عمل بپوشاند» (همان، ج. ۱۱/صص. ۱۹۳-۱۹۹).

عزت‌الله سبحانی، عضو نهضت آزادی ایران، که به مجلس خبرگان راه یافته بود از مخالفان گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی بود و آن را مغایر با اصل حاکمیت ملی ارزیابی می‌کرد.^{۱۷}

در همان حال، نهضت آزادی ایران، در ۱۵ آبان ۱۳۵۸، به‌اشغال سفارت آمریکا در تهران نظر مساعد نشان داد و خواستار قطع روابط سیاسی ایران با آمریکا شد (اطلاعات، ۲۰ آبان ۱۳۵۸، ص. ۱۲؛ اسناد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳، ج. ۱۱، صص.

۲۰۷-۲۰۸). نهضت آزادی ایران در ۱۸ آبان ۱۳۵۸ هم طی بیانیه‌ای، به بررسی و ارزیابی کارنامه دولت کناره‌گیری کرده بازرگان پرداخت؛ و ضمن اشاره به تعهدناپذیری و مسئولیت‌ناشناسی بسیاری از احزاب و گروه‌های سیاسی سهامدار انقلاب در قبال نظام نوپای جمهوری اسلامی، از «همه افراد امت، اعم از گروه‌ها، احزاب، انجمن‌ها و جمعیت‌های متعهد و مسئول» خواست در این برهه جدید از حیات انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، «در جهت الله به صورت یک‌پارچه و هم‌بسته همچون شالوده از سرب ریخته شده، در خط واقعی امام حرکت کنند» (همان، ج. ۱۱/صص. ۲۰۹-۲۱۳). در ۵ آذر ۱۳۵۸، نهضت آزادی ایران با صدور اعلامیه‌ای ضمن اشاره به کاستی‌ها و بلکه تعارضات حقوقی - قانونی راه‌یافته به متن قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان، با توجه به شرایط حساس و دشوار کشور و نظام نوپای جمهوری اسلامی، به شرح زیر، از مردم ایران تقاضا کرد، در همه‌پرسی روز ۱۱ آذر شرکت کنند و به قانون اساسی رأی مثبت بدهند:

اینک مردم با قانونی روبه‌رو هستند که گرچه کمبودها و نواقص و حتی از نظر حقوقی و عملی از جنبه‌های مختلف تناقضاتی دارد، اما بدیهی است که این قانون کلام خدا و وحی منزل نیست و باید توجه داشت که انقلاب اسلامی ایران مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل تاریخ خود را طی می‌کند، ضدانقلاب با تمامی قوا می‌کوشد تا از استقرار و تحکیم جمهوری اسلامی جلوگیری کند ... حفظ پیروزی به‌دست آمده و استمرار انقلاب و تحکیم جمهوری اسلامی حکم می‌کند که هرچه سریع‌تر و قاطع‌تر دوران انتقال را پشت سر بگذاریم: قانون اساسی جدید به رأی عمومی گذارده شود، انتخابات ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس شورای ملی برگزار شود و انقلاب و کشور را استقرار بخشد ... اکنون کشور دچار بی‌قانونی و عدم ثبات سیاسی است و تصویب این قانون ثباتی ایجاد می‌کند و قانون ناقص

نسبت نهضت آزادی ایران با تکثرگرایی و مداراجویی ... _____ مظفر شاهدی

بہتر از بی قانونی است ... نهضت آزادی ایران با احساس مسئولیت در برابر خدا و خلق قهرمان ایران و تاریخ و انقلاب عظیم اسلامی و به تبعیت از رهبر انقلاب امام خمینی، از تمامی افراد، گروه‌ها و دسته‌ها و احاد ملت دعوت می‌کند تا با بسیج تمام نیروها آمادۀ شرکت فعال در همه‌پرسی قانون اساسی جدید بشویم و با رأی و پاسخ مثبت به این قانون اساسی، که در واقع رأی مثبت به رهبری انقلاب و امام امت است، دستاوردهای انقلاب را توسعه دهیم و جمهوری اسلامی را تحکیم بخشیم و با شرکت فعالانۀ خود در رفراندوم بار دیگر ضدانقلاب را ناامید بسازیم. نابود باد امپریالیسم جهانی به رهبری آمریکا. پیروز باد انقلاب اسلامی. درود به رهبر انقلاب امام خمینی (همان، ج. ۱۱/صص. ۲۱۸-۲۲۰).

نتیجه

در این مقاله، با استناد به اسناد و منابع تاریخی، تلاش کردیم، به این پرسش پاسخ دهیم، که: نهضت آزادی ایران در فاصلۀ پیروزی انقلاب در بهمن ۱۳۵۷ تا تأیید نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در آذر ۱۳۵۷، چه نگرشی نسبت به تکثرگرایی، مداراجویی سیاسی، تحزب و سیاست‌ورزی حزبی، در ایران پس‌انقلابی داشت؟ یافته‌های پژوهش ما را به نتایج زیر رهنمون می‌سازد: نهضت آزادی ایران با انحصارگرایی و رادیکالیسم سیاسی مخالف بود. در آن برهه، نهضت آزادی ایران به تحلیل و ارزیابی کمابیش صریح آسیب‌ها و محدودیت‌های فکری و سیاسی بالقوه و بالفعل متعددی پرداخت که بی‌اعتنایی به آن‌ها می‌توانست ادامه حیات متکثر سیاسی و اجتماعی متعاقب پیروزی انقلاب را به خطر اندازد و موجبات تمامیت‌خواهی و انسداد سیاسی را فراهم آورد. بدین ترتیب، نهضت آزادی ایران، از تکثرگرایی، تحزب و سیاست‌ورزی حزبی، در چارچوب حقوقی- قانونی نظام جمهوری اسلامی حمایت

می‌کرد و خواستار برپایی نظام دموکراتیک و مداراجویی بود که احزاب و گروه‌های سیاسی دگراندیش و فادار به کلیت نظام بتوانند در فضایی مسالمت‌آمیز، آزادانه به سیاست‌ورزی حزبی رقابت‌آمیز بپردازند.

پی‌نوشت‌ها

1. pluralism

۲. ردیابی فرایند (process racing): روش یا تکنیکی است که در آن، تحلیل‌گر تلاش می‌کند سازوکارهای علی‌ای را مشخص کند که متغیر تبیین را به یک پیامد پیوند می‌دهد (طالبان، ۱۳۹۱، ص. ۲۳۱).
۳. مهندس مهدی بازرگان در ۳۰ دی ۱۳۷۳ درگذشت. پس از او، دکتر ابراهیم یزدی به‌عنوان دبیر کل نهضت آزادی ایران تعیین شد. یزدی به‌سبب بیماری در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ از مقام دبیر کلی نهضت آزادی کناره‌گیری کرد و به‌جای او، محمد توسلی در آن سمت قرار گرفت.
۴. رفراندوم مربوط به اصلاحات موسوم به انقلاب سفید در روز ششم بهمن ۱۳۴۱ برگزار و اعلام شد که اکثریت قاطع رأی‌دهندگان به اصلاحات مذکور رأی مثبت داده‌اند.
۵. در قانون اساسی اول جمهوری اسلامی (مصوب سال ۱۳۵۸) عنوان مجلس، «مجلس شورای ملی» ذکر شده بود؛ فقط پس از بازنگری در متن قانون اساسی (در سال ۱۳۶۸) عنوان رسمی آن به «مجلس شورای اسلامی» تغییر یافت؛ اگرچه از همان ابتدا، مجلس با عنوان «مجلس شورای اسلامی» خطاب می‌شد. مجلس اول در ۷ خرداد ۱۳۵۹ گشایش یافت و پس از چهار سال در ۶ خرداد ۱۳۶۳ به‌کار خود پایان داد.
۶. در حال حاضر (پاییز ۱۳۹۷) عبدالعلی بازرگان، هاشم صباغیان، محمد توسلی، غلامعباس توسلی، ابوالفضل بازرگان، امیر خرم، محمدحسین بنی‌اسدی، ابوالفضل حکیمی، سیدعلی اصغر غروی، غفار فرزندی، مهدی معتمدی‌مهر، خسرو منصوریان، محمدنوید بازرگان، عماد بهاور، محمد(فرید) طاهری، محسن محقق و علی اکرمی از اعضای برجسته نهضت آزادی ایران محسوب می‌شوند.
۷. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره کارنامه سیاسی نهضت آزادی ایران، نک: اسناد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۱-۱۳۶۳، ج. ۱ و ۲ و ۳ و ۹ و ۱۱: صفحات متعدد؛ و بازرگان، ۱۳۶۳، صفحات متعدد.
۸. متن کامل این بیانیه در صفحات ۹۳ تا ۱۶۰ جلد یازدهم کتاب *اسناد نهضت آزادی ایران* به‌چاپ رسیده است.
۹. گویا برخی از اعضای کادر رهبری نهضت آزادی ایران موافقت چندانی با انتصاب مهندس مهدی بازرگان به نخست‌وزیری دولت موقت نداشتند. بنابر اظهارات صادق طباطبایی: «عده‌ای از کادر مرکزی نهضت آزادی موافق نبودند که آقای بازرگان ریاست دولت موقت را بر عهده بگیرد با این استدلال که الان شرایط بسیار

نسبت نهضت آزادی ایران با تکثرگرایی و مداراجویی ... _____ مظفر شاهدی

پیچیده و بحرانی است، ما اگر گرفتار مسائل اجرایی شویم از برنامه‌های سیاسی خودمان عقب خواهیم افتاد و در یک شرایط بحرانی همه کاسه و کوزه‌ها سر ما شکسته می‌شود و معتقد بودند که آقای مهندس بازرگان باید بیشتر وقت خودش را صرف ارتقای فکری و سیاسی مجموعه جریان‌ات جامعه بکند» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج. ۳/صص. ۲۲۴-۲۲۵).

۱۰. لازم به یادآوری است که گرایش نهضت آزادی ایران به انتخاب عنوان جمهوری دموکراتیک اسلامی برای نظام انقلابی ایران، به متن اساسنامه شورای انقلاب اسلامی هم مستند بود. در ماده اول اساسنامه شورای انقلاب اسلامی چنین آمده بود: «شورای انقلاب که پاسدار ثمرات قریب یک قرن مبارزات آزادی‌خواهانه و استقلال‌طلبانه و حق‌پرستی ملت ایران و جنبش‌های مجاهدانه بیست و هفت ساله بعد از ملی شدن صنعت نفت، بالاخص انقلاب اسلامی همه‌جانبه پانزده ساله اخیر به‌رهبری امام خمینی است به‌منظور اجرای اهداف انقلاب در آستانه پیروزی و برای ایجاد «حکومت جمهوری دموکراتیک اسلامی» در ایران انتخاب و تشکیل می‌شود». مهندس مهدی بازرگان بعدها در کتاب *انقلاب ایران در دو حرکت*، به این موضوع چنین اشاره کرده است: «از جمله گناهایی که برای دولت موقت و نخست‌وزیر آن می‌شمردند اصرار بر عنوان جمهوری دموکراتیک اسلامی به‌جای جمهوری اسلامی، علی‌رغم نظریه امام بود. حقیقت قضیه این است که اصطلاح جمهوری دموکراتیک اسلامی قبل از آن‌که فراندوم [۱۰ و ۱۱ فروردین] سال ۵۸ [۱۳] مطرح شود و امام اعلام نظر نسبت به تعبیر ساده جمهوری اسلامی با قید نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کم‌تر بنمایند، در اساسنامه مصوب شورای انقلاب آمده بود و مرحوم دکتر بهشتی علاقه‌مند و مدافع آن بود» (بازرگان، ۱۳۶۳، ص. ۹۲).

۱۱. اکبر هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود به این موضوع چنین اشاره کرده است: «با تأکید امام مبنی بر اینکه آنچه این‌جانب به آن رأی می‌دهم جمهوری اسلامی است و آنچه ملت شریف ایران در سرتاسر کشور با فریاد از آن پشتیبانی نموده، همین جمهوری اسلامی بوده است نه یک کلمه زیاد و نه یک کلمه کم. من از ملت شریف انتظار دارم که به جمهوری اسلامی رأی دهند که تنها این مسیر انقلاب اسلامی است، محتوا و شکل فراندوم تعیین نظام سیاسی آینده کشور مشخص تر شد. تا پیش از این نخستین اختلاف جدی ما با اعضای دولت موقت بر سر چگونگی برگزاری فراندوم شکل عملی گرفته بود. نقطه اختلاف در این بود که ما به تبعیت از امام می‌گفتیم نام حکومت را جمهوری اسلامی بگذاریم و آنها اصرار بر جمهوری دموکراتیک اسلامی و یا حتی جمهوری دموکراتیک تنها داشتند. البته عبارت جمهوری دموکراتیک اسلامی در متنی که به‌عنوان اساسنامه شورای انقلاب تهیه شده بود آمده بود، اما چون اساسنامه شورای انقلاب برای مشخص کردن نحوه اداره شورا و تفکیک وظایف شورا از وظایف دولت موقت در همان روزهای نخست پیروزی انقلاب تهیه شده بود و بحث کاملی در جزئیات آن متن نشده بود، کسی از جمع ما در این ارتباط مدافع آن

متن نبود؛ خصوصاً بعد از آنکه نظر امام با صراحت بیان شد دیگر تکلیف همه ما روشن بود» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ص. ۲۴۹).

۱۲. نهضت آزادی ایران به رابطه خود با دولت مهدی بازرگان چنین اشاره می‌کند: «با وجود چند نفر از اعضای نهضت آزادی ایران در کابینه، ولی نه حزب کوچک‌ترین وابستگی به دولت دارد و نه دولت تعهدی در برابر حزب و امام خمینی هم در فرمان نخست‌وزیری آقای مهندس بازرگان ایشان را بدون وابستگی حزب منصوب کرده‌اند و این فرمان هم بدون کم‌وکاست تاکنون (حدود خرداد ۱۳۵۸) اجرا شده است» (اسناد نهضت آزادی ایران، ج. ۱۱، ص. ۱۵۴)؛ لازم به یادآوری است که طی ماه‌های آتی، که هر از گاه برخی افراد و گروه‌های سیاسی مستقیم و غیرمستقیم به ارتباط نزدیک دولت موقت بازرگان با نهضت آزادی ایران اشاره می‌کردند و احياناً شاکله دولت را نماینده تفکر سیاسی نهضت آزادی ایران ارزیابی می‌کردند؛ نهضت آزادی ایران با صدور اعلامیه‌هایی هر گونه ارتباط حزبی و تشکیلاتی دولت بازرگان با آن تشکل را تکذیب می‌کرد (همان، ج. ۱۱/صص. ۱۸۹-۱۹۲).

۱۳. چنان‌که وقتی به دنبال ترور مرتضی مطهری، این احساس به وجود آمد که نظام نوپای جمهوری اسلامی با احزاب و گروه‌های سیاسی دگراندیش و منتقد برخوردی نامتعارف در پیش خواهد گرفت، نهضت آزادی ایران، در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸، در این باره چنین هشدار داد: «در حادثه ناگواری که اخیراً برای جامعه اسلامی و انقلابی ایران پیش آمده است و یکی از چهره‌های بالرش را از دست دادیم، همه مردم بی‌صبرانه خواستار روشن شدن مسئله و شناختن دست‌های پلیدی هستند که به چنین جنایتی اقدام کردند و با وجود فریادهای و بینه‌های آشکاری که درمورد گروهی مرتجع و منحرف و خوارج نپروانی به نام فرقان در دست داریم ... به گروه‌های دیگر حمله کردن، منحرف ساختن افکار از جریان صحیح یعنی مبارزه قاطع و هشیارانه با مواضع امپریالیسم عوامل ضدانقلاب و ارتجاع به‌شمار می‌رود. البته این گفته بدان معنی نیست که تحریکات و کارشکنی‌ها و احياناً اقدامات ضدانقلابی عوامل راست و چپ را نادیده بگیریم و آنان را تبرئه کنیم ... به هر حال وظیفه گروه‌های رهبری انقلاب، دولت، مقامات مسئول و افراد متعهد و گروه‌های سیاسی است که از کلی‌گویی، انحراف افکار از جریان اصلی، حمله و هجوم بی‌جا به گروه‌ها در غیرموقع خود و سهل‌انگاری از معرفی دشمن اصلی، در موقع مناسب خود و حربه مظلومیت دادن به افراد و گروه‌ها سخت بپرهیزند» (اسناد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳، ج. ۱۱/صص. ۸۲-۸۳؛ روزنامه آینه‌نگار، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸، صص. ۱-۲).

۱۴. دیدگاه و دغدغه نهضت آزادی ایران، در حوالی خرداد ۱۳۵۸، در این باره چنین بود: «از زمره عوامل سیاسی یکی تضاد بین جبهه اسلامی و جناح مارکسیستی است ... این تضاد اگر تنها در مقابله فکری در مسائل فلسفی و ایدئولوژی اجتماعی سیاسی محدود گردد برای جامعه اسلامی قابل تحمل است. اصل آزادی فکر و

اندیشه در اسلام و انقلاب اسلامی ما ارزش اساسی دارد. بنابراین وجود و فعالیت مارکسیست‌ها در جامعه اسلامی ایران پذیرفتنی است... بنابراین حل تضاد انقلاب اسلامی با جناح مارکسیستی بدان منجر می‌شود که این جناح و تمام عناصر طیف درونی آن واقعیت جامعه و آیین مردم و بقا و تمامیت کشور و خودکفایی اقتصادی آن را بپذیرند... عامل دیگر تفرقه در صفوف ملت و تجزیه انقلاب افراد و گروه‌های لیبرال دموکرات و ناسیونالیست هستند. اکثریت این گروه‌ها ضداسلام و حتی مخالف بعد اسلامی انقلاب نیستند. ولی بیشتر بر دموکراسی غربی و ارزش‌های لیبرال و عدم دخالت مذهب در روند سیاسی، اجتماعی جامعه (سکولاریسم) تکیه می‌کنند، یا آنکه بیشتر بر ملیت ایرانی تکیه دارند... ما معتقدیم تضاد بین نیروهای دموکرات و ملی در مواجهه با وفاداران به انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن یک تضاد ریشه‌دار و رشدیابنده نیست... لذا تکلیف مسئولان و رهبران انقلاب اسلامی در مورد حل این تضاد روشن می‌شود که راه حلی است نه مبتنی بر طرد و خصومت، بلکه استوار بر پذیرفتن حق آن‌ها در مبارزه ضداستبدادی و ضداستعماری و مشارکت آن‌ها در نظام تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری و اجرایی. اصرار و تأکید بر جدایی نهضت اسلامی از جنبش دموکراتیک نه به سود اسلام و مسلمین است و نه به سود جامعه و ملت ایران و نه منطبق بر حقیقت. اسلام با دموکراسی یا ملیت مغایرتی ندارد و ملیت ایرانی هم از اسلام جدا نیست... رشد سلطه و انحصارطلبی همراه با خشونت و عدم تحمل عقاید و گرایش‌ها در درون انقلاب مشهود است. انقلاب ایران از یک جهت ضداستبداد فردی و حاکمیت گروهی بوده است و بیش از آنکه جنبه طبقاتی داشته یا از جانب گروهی خاص اداره گردد، جنبه مردمی و عمومی و ارزشی دارد و این ارزش والای انقلاب ماست. حال که استبداد سلطنتی برچیده شده اگر قرار باشد نوع دیگری از سلطه حاکم گردد مخالف با ارزش‌های انقلاب است. در ماه‌های اخیر از جانب افراد و گروه‌های خاصی که نوعاً خود را تابع و مطیع روحانیت معرفی می‌کنند و همچنین از جانب برخی از روحانیون غیرمسئول اقدامات و تراوشات فکری و لفظی بروز می‌کند که حاکی از عدم تحمل دیگران و ظهور نوعی خشونت و زورگویی است. از طرف دیگر برخی سخنان رهبری انقلاب نیز حکایت از یک جانبه بودن اطلاعات رسیده به ایشان می‌کند. این‌گونه عملکرد افراد و عناصر روحانی و غیرروحانی بهانه‌ای به وجود می‌آورد که انقلاب ایران را یک‌طرفه و تنها وابسته و منبعث از روحانیت معرفی کنند... پس از جبهه‌گیری‌های تبلیغاتی و عملی علیه گروه‌ها و افراد و گرایش‌های غیرروحانی ولی مذهبی یا ملی در ماه‌های اخیر ما شاهد نزول و افول محبوبیت و مقبولیت عامه و بی‌نظیر رهبری انقلاب ایران هستیم... انحصار و سلطه‌گرایی در درون یک حرکت عام و مردمی همیشه منجر به تفرقه و سربرآوردن گرایش‌های مخالف و فرقه فرقه شدن جنبش شده و خواهد شد... برخی از مبارزین مذهبی نیز که بیشتر بینش بازاری دارند تا سیاسی و انقلابی، با تحلیل‌های سطحی و قشری از مسائل جامعه این جو را تشدید می‌کنند. این افراد که خود را در پشت روحانیت مبارز مخفی کرده و به نام آن‌ها عمل

می‌کنند و سخن می‌گویند به روحانیت مبارز و انقلابی شیعه چهره‌ای انحصارطلب و سلطه‌گرا می‌بخشند که موجب دور شدن اقشاری از توده از روحانیت و مذهب می‌شود... به نظر ما راه حل مشکلاتی که با توجه به نکات ذکرشده بالا ایجاد گردیده این است که رهبران مبارز و انقلابی به‌ویژه شخص امام پیش‌قدم و مبلغ تخفیف در شرایط و جو سیاسی شوند و تمام نیروهای ملی و مذهبی ضداستعماری را دعوت به تشکیل جبهه‌ای واحد کرده و از آن‌ها بخواهند تا همانند دوران مبارزه در گذشته به وحدت کلمه بازگردند. در صورتی که این اقدام سریعاً از جانب رهبری و مسئولین روحانی صورت گیرد امید حل تضاد به نفع بقا و تکامل انقلاب اسلامی وجود دارد و الا روند امور هر صاحب بینش بی‌غرض و بی‌طرفی را نگران آینده انقلاب و جامعه می‌سازد» (اسناد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳، ج. ۱۱/صص. ۱۳۹-۱۴۷).

۱۵. نهضت آزادی ایران در ۲ خرداد ۱۳۵۸، به مناسبت سالروز اعدام بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق در ۴ خرداد ۱۳۵۰، در این باره، چنین موضع‌گیری کرد: «در سال‌های تاریک بعد از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲... مبارزه قانونی و در چارچوب قانون اساسی به بن‌بست رسید. از آن پس جوانان پرشور و مبارز وطن‌گروه گروه به خط مبارزه قهرآمیز پیوستند. در میان آنان تنها یک گروه بودند که بر اساسی محکم و به‌دور از هیجان‌زدگی‌های بازتابی و احساساتی و با اراده و تقوایی استوار کار آمادگی و بسیج در جهت مبارزه مسلحانه‌ای منبعث از مکتب اسلام تلاش خستگی‌ناپذیر خود را آغاز کرد و به کسب دانش و تجربه مبارزه انقلابی پرداخت. بنیانگزاران این گروه شهداء محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و علی‌اصغر بدیع‌زادگان از پاک‌ترین، آگاه‌ترین و فداکارترین فرزندان مسلمان نهضت آزادی ایران بودند... حاصل کار و تلاش مردانه آنان سازمان مجاهدین خلق ایران بود که از سال ۱۳۴۹ تاکنون ضمن مبارزه مسلحانه با الهام از اصیل‌ترین منابع اسلامی و با بهره‌برداری از آخرین دستاوردهای بشری و تجربیات سازمان‌های انقلابی جهان یک مکتب تربیتی و انسان‌سازی جدید را بنیان گذاردند و به‌حق تا این تاریخ سنت‌های انقلابی نوینی در میان مبارزان و مجاهدان اسلامی رایج ساختند که نقشی مهم در تحول جنبش انقلابی اسلامی توده ایرانی داشته، به‌گمان صاحب‌نظران آگاه و بی‌طرف یکی از سه پایه انقلاب اسلامی ایران گردید [البته که این سخن بس اغراق‌آمیز است]... اگرچه با ازبین رفتن معلمین اولیه و به‌سبب جنایت‌های عده‌ای منحرف این سازمان دچار تفرقه شد و از این رهگذر به‌جنبش انقلابی ایران لطماتی خورد معذالک راه و رسم آنان آشکار است و یاران باوفایشان همچنان به‌راه خود ادامه داده‌اند و می‌دهند. امید آن است که این سازمان ضمن حفظ وحدت و اصالت اسلامی خود هم‌چنان که سنت بنیانگذاران آن بوده است با تقوا و فروتنی خاص مجاهدان صدر اسلام، کار سازماندهی و تربیت انقلابی فرزندان مسلمان این سرزمین را ادامه دهد... نهضت آزادی ایران ۲/ خرداد/ ۱۳۵۸» (اسناد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳، ج. ۱۱/صص. ۱۶۱-۱۶۲).

نسبت نهضت آزادی ایران با تکثرگرایی و مداراجویی ... _____ مظفر شاهدهی

۱۶. در بخش‌هایی از این بیانیه چنین آمده بود: «انقلاب آزادی‌بخش ایران ما را در مرحله نخست از اسارت استبداد و بندهای استعمار رها ساخت... اما مراحل سازندگی انقلابی و خودسازی بنیادی را فاقد بود... گویی آن ایمان و وحدت کلمه یکباره جای خود را به یوزی و ژ و ام یک داد و اختلافات گروهی و فرقه‌ای و ایدئولوژیک و حساب‌های شخصی و خانوادگی و کینه‌های تعصب‌آلود و مغرضانه جاهلی به‌بدترین شکل خود بروز کرد. احساس مسئولیت به‌خودمحوربینی، احساس برادری به بیگانه‌نگری و احساس تحمل و تسامح و گذشت به انتقام‌کشی و کینه‌توزی مبدل گردید... در این میان نقش گروه‌های سیاسی با سابقه کار انقلابی و مسلحانه و داشتن تجربیاتی پربار از گذشته بسیار شگفت‌انگیز و تأسف بار و ناامیدکننده است. انتظار می‌رفت که این گروه‌ها چه آنان که با بینشی توحیدی و الهی به مبارزه قهرآمیز دست زده‌اند و چه گروه‌هایی با افکار ماتریالیستی همگی با تقوایی سیاسی و صبری انقلابی و قدرت تحملی برادرانه برای دیگر مردم که تجربیات مسلحانه و انقلابی ندارند نمونه متعالی و کاملی از رفتار و گفتار مردمی رشد یافته و متکامل گردند، اما با کمال تأسف دیدیم که همه آنان بدون استثناء به‌تسویه‌حساب‌های گروهی و تصفیه‌های شخصی پرداختند و آنچه کمتر مطمح نظر است خدا و مردم و خالق و خلق می‌باشد و گروه‌های دیگری که به تقلید از سازمان‌های ریشه‌دار قبلی از هر دو یا هر سه سو (اسلامی، مارکسیستی و ملی) هر روز مانند قارچ رویدند و تعدادشان مانند روزنامه‌ها و مجلاتشان از یکصد هم تجاوز کرد، در تمام این خصلتها و درگیری‌ها از سابقین پیروی کردند و خود را در یک اردوی در حال جنگ و انتقام‌کشی قرار دادند... اگرچه دولت خود را انقلابی به معنی تخریب و بگروبیند نمی‌داند، ولی چه بخواهد و چه نخواهد مسئول حفاظت از اجتماعات و بیان و گفتار هست و از سوی دیگر برای حفاظت از انقلاب و جمهوری اسلامی نمی‌توان نظاره‌گر خلق هر روزه گروه‌ها و اجتماعات و مطبوعاتی بی‌هیچ ضوابط و معیاری باشد. ما از دولت می‌خواهیم که با یک اقدام انقلابی قاطع از تشکیل و ایجاد گروه‌های آشوب‌طلب و بی‌ضابطه و انتشار جرایدی که هیچ معیار و مسئولیتی نمی‌شناسند جلوگیری و از اجتماعات و تشکیلات و جراید و مطبوعاتی که در ضابطه و معیار تعیین شده در می‌آید حفاظت کند» (اسناد نهضت آزادی/ایران، ۱۳۶۳، ج. ۱۱/صص. ۱۶۷-۱۷۱؛ آینه‌گان، ۱۸ تیر ۱۳۵۸، ص. ۱۲).

۱۷. مهندس عزت‌الله سبحانی، در مراسم شب هفت آیت‌الله سیدمحمود طالقانی (۲۷ شهریور ۱۳۵۸)، که هنوز مجلس خبرگان به‌کار خود ادامه می‌داد، در این باره، چنین اظهار عقیده کرد: «در فروردین امسال مردم با اکثریت آراء به‌جمهوری اسلامی رأی دادند. جمهوری اسلامی یعنی نظامی که محتوای آن اسلام است و مکتب و تعالیم اسلام و سازمان آن جمهوری، یعنی قوانین مکتبی اسلام در قالب و شکل آرای مردم، که از طریق حاکمیت مردم اعمال می‌شود. در این نظام اسلام‌شناسان واقعی باید یک نظارت مکتبی بر قوانین و مقررات که می‌گذرد داشته باشند و این امر در نهادی در پیش‌نویس قانون اساسی با اصل شورای نگهبان

قانون اساسی مطرح شده است و ما اصل ولایت فقیه را که یک اصل غیرقابل انکار مکتبی است تا این حد می‌توانیم پیاده‌اش کنیم، ولی آن طرحی که نوعی حاکمیت و سرپرستی بلارقیب یعنی نوعی قدرت در مقابل قدرت حکومت است در شرایط امروز قابل قبول نمی‌تواند باشد، زیرا هیچ فردی معصوم نیست و امکان خطا و اشتباه می‌رود و از طرف دیگر این قدرت در مقابل قدرت دولت و حکومت جامعه را به دو قطب تقسیم کرده و نظم جامعه را به هم می‌زند» (اطلاعات، ۲۸ شهریور ۱۳۵۸، ص. ۲).

منابع

- آشوری، د. (۱۳۴۷). فرهنگ سیاسی. تهران: مروارید.
- آقابخشی، ع. (۱۳۶۶). فرهنگ علوم سیاسی. چ تهران: بهرنگ.
- آقابخشی، ع.، و افشاری‌راد، م. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- اسناد نهضت آزادی ایران: صفحاتی از تاریخ معاصر ایران (جریان تأسیس و بیانیه‌ها ۱۳۴۰-۱۳۴۴) (۱۳۶۱). ج ۱. تهران: نهضت آزادی ایران.
- اسناد نهضت آزادی ایران: صفحاتی از تاریخ معاصر ایران (۱۳۶۱). ج ۲. تهران: نهضت آزادی ایران.
- اسناد نهضت آزادی ایران: صفحاتی از تاریخ معاصر ایران (۱۳۶۱). ج ۳. تهران: نهضت آزادی ایران.
- اسناد نهضت آزادی ایران: صفحاتی از تاریخ معاصر ایران (۱۳۶۲). ج ۹. دفتر ۲. تهران: نهضت آزادی ایران.
- اسناد نهضت آزادی ایران: صفحاتی از تاریخ معاصر ایران (۱۳۶۳). ج ۹. دفتر ۳. تهران: نهضت آزادی ایران.
- اسناد نهضت آزادی ایران: صفحاتی از تاریخ معاصر ایران (۱۳۶۳). ج ۱۱. تهران: نهضت آزادی ایران.
- امام خمینی، ر. (۱۳۸۵). صحیفه امام. ج ۲۰. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

نسبت نهضت آزادی ایران با تکثرگرایی و مداراجویی ... _____ مظفر شاهی

- بازرگان، م. (۱۳۶۳). *انقلاب ایران در دو حرکت*. تهران: مهدی بازرگان
- بشیری، ح. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. تهران: نشر نی
- بیتنام، د. و بویل، ک. (۱۳۷۶). *دموکراسی چیست؟ (آشنایی با دموکراسی)*. ترجمه ش. نقش تبریزی. تهران: ققنوس.
- دوورژه، م. (۱۳۶۹). *اصول علم سیاست*. مترجم: ا. قاضی. تهران: امیرکبیر.
- روزنامه اطلاعات، ش ۱۵۸۱۶، چهارشنبه ۸ فروردین ۱۳۵۸.
- روزنامه اطلاعات، ش ۱۵۹۵۶، چهارشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۵۸، ص ۲.
- روزنامه اطلاعات، ش ۱۵۹۹۹، یکشنبه ۲۰ آبان ۱۳۵۸، ص ۱۲.
- روزنامه آیندگان، س ۱۲، ش ۳۳۵۳، پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸.
- روزنامه آیندگان، س ۱۲، ش ۳۳۹۶، دوشنبه ۱۸ تیر ۱۳۵۸، ص ۱۲.
- طالبان، م. ر. (۱۳۹۱). *جستارهای روشی در علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- طباطبایی، ص. (۱۳۸۷). *خاطرات سیاسی اجتماعی دکتر صادق طباطبایی*. ج ۳. تهران: عروج
- فوزی، ی. و زارعی، ع. (۱۳۹۶). *تحلیل بافت سیاسی، اجتماعی و تخصصی نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ ادوار اول تا پنجم*. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۱، ۴۵-۷۶.
- نوذری، ح. ع. (۱۳۸۱). *احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی*. تهران: گستره.
- هاشمی رفسنجانی، ا. (۱۳۸۳). *کارنامه و خاطرات سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸: انقلاب و پیروزی*. به‌کوشش ع. بشیری و م. هاشمی رفسنجانی. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.

The proportion of the freedom movement of Iran with pluralism and political tolerance; from the victory of the revolution until the adoption of the constitution of the Islamic republic of Iran (February - December 1979)

Mozaffar Shahedi*^۱

Received: 14/07/2020 Accepted: 09/02/2021

Abstract

Although in the process of the expansion and victory of the Iranian Revolution, in the years 1356- 1357, the Islamic movement played a decisive role; However, the Iranian Revolution also had the presence and effective participation of left-wing parties and political groups, liberal nationalists, and some groups with Islamist, left-wing, and nationalist aspirations. The Iranian Freedom Movement, which was closely associated with the Islamist movement, played an important role in the developments of the revolutionary period.

Purpose of the research: Considering that Imam Khomeini, the leader of the revolution, recognized pluralism and party politics within the framework of the Islamic Republic; The leading article attempts to answer the following question: From the beginning of the victory of the revolution until the endorsement and final approval of the constitution in December 1358, which established the legal-legal framework of the Islamic Republic, What did the Iranian Freedom Movement approach to pluralism, political commitment and loyalty among parties and political parties in the revolutionary party?

Research method: The present study is conducted through a historical survey (descriptive-analytical) and using a process tracking technique.

The research findings show that Iranian's Freedom Movement, whose political orientation and intellectual foundations were a combination of Islam and liberal nationalism, despite criticisms of the tendencies and practices of various political currents, He called for political engagement and loyalty among revolutionary parties and groups. The Iranian Freedom Movement supported the pluralism, supremacy, and peaceful party politics within the framework of the Islamic Republic.

Keywords: freedom movement of Iran; Islamic republic of Iran; Pluralism; Democracy; engagement.

^۱ PhD in History of the Islamic Revolution; From Imam Khomeini Research Institute and the Islamic Revolution, Senior Researcher at the Contemporary History Research Institute, Tehran, Iran. (corresponding author) Email: *mozaffarshahedi@gmail.com.

<https://orcid.org/0000-0002-1246-0325>